



## **Analysis of body language in the novel "Al-Shahaz" by Najib Mahfouz based on the theory of Paul Ekman and Valls Friesen with three approaches "origin-encoding-application"**

**Aliakbar Mollaie<sup>1</sup>, Fatemeh Yousefi<sup>2</sup>**

<sup>1</sup> Associate Professor of Valiasr(Aj) University of Rafsanjan, Department of Arabic Language and Literature. a.mollaie@vru.ac.ir

<sup>2</sup> Master's student of Arabic language and literature of Valiasr(Aj) University of Rafsanjan, Department of Arabic language and literature (**Corresponding author**). fateme.yosofi7187@gmail.com

### **Abstract**

Non-verbal communication is a communication that conveys concepts and meanings through non-verbal and speech. Non-verbal messages are more powerful than verbal messages. Body language is our way of non-verbal and non-verbal communication that we use in each of our interactions with others. Body language includes people's messages with looks, facial expressions and gestures, which help the reader to understand the text in literary texts. "Paul Ekman" and "Walce Friesen" have conducted extensive research in the field of non-verbal activities, whose goal is to better understand people's feelings and behavior. They have analyzed non-verbal activities in three ways "origin-encoding-application". This research with descriptive-analytical method based on the mentioned approaches of "Ekman and Friesen" body language in Al-Shahaz novel, which is the work of Najib Mahfouz, including; Facial language, gaze language and head gestures have been described and analyzed. The results obtained from the analysis of body language samples in this novel show that the origin of facial language, which has a high frequency in the novel, is intrinsic, its encoding is instinctive and its use is informational.

**Keywords:** body language, Al-Shahaz's novel, Paul Ekman and Waltz Friesen, origin- encoding- use.

## تحليل لغة الجسد في رواية "الشهاز" لنجيب محفوظ استناداً إلى نظرية بول إيكرمان وفالس فريسن بثلاثة مقاربات "الأصل - الترميز - التطبيق"

على أكبر ملايى<sup>١</sup>، فاطمه يوسفى<sup>٢</sup>

<sup>١</sup> أستاذ مشارك بجامعة وليعصر (عج) وفستجان، قسم اللغة العربية وآدابها، a.mollaie@vru.ac.ir  
<sup>٢</sup> طالب ماجستير اللغة العربية وآدابها جامعة وليعصر (عج) وفستجان، قسم اللغة العربية وآدابها (المؤلف المسؤول)،  
fateme.yosofi7187@gmail.com

### الملخص

الاتصال غير اللفظي هو اتصال ينقل المفاهيم والمعاني من خلال الكلام والكلام. الرسائل غير اللفظية أقوى من الرسائل اللفظية. لغة الجسد هي طريقتنا في التواصل غير اللفظي وغير اللفظي التي نستخدمها في كل تفاعل مع الآخرين. تتضمن لغة الجسد رسائل الأشخاص بالمظهر وتعبيرات الوجه والإيماءات، والتي تساعد القارئ على فهم النص في النصوص الأدبية. أجرى بول إيكرمان ووالاس فريزين بحثاً مكثفاً في مجال الأنشطة غير اللفظية، والتي تهدف إلى فهم مشاعر الناس وسلوكهم بشكل أفضل. لقد قاموا بتحليل الأنشطة غير اللفظية بثلاث طرق «تطبيق ترميز المنشأ». هذا البحث بالمنهج الوصفي التحليلي القائم على المناهج المذكورة في لغة الجسد «إيكرمان وفريزين» في رواية الشهاز، وهي عمل نجيب محفوظ، ومنها: تم وصف لغة الوجه ولغة النظرة وإيماءات الرأس والتحقيق فيها. تظهر النتائج التي تم الحصول عليها من تحليل عينات لغة الجسد في هذه الرواية أن أصل لغة الوجه، التي لها تردد عالٍ في الرواية، جوهرى، وتشفيرها غريزي، واستخدامها إعلامي.

**الكلمات الرئيسية:** لغة الجسد، رواية الشهاز، بول إيكرمان وفولس فريزين، أصل - تشفير - الاستخدام.



## تحلیل زبان بدن در رمان «الشحاذ» اثر نجیب محفوظ

### براساس نظریه پل اکمن و والس فریسن

### با سه رویکرد «منشأ- رمزگذاری- کاربرد»<sup>۱</sup>

علی اکبر ملایی<sup>۱</sup>، فاطمه یوسفی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان، گروه زبان و ادبیات عربی. a.mollaie@vru.ac.ir  
<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان، گروه زبان و ادبیات عربی  
fateme.yosofi7187@gmail.com (نویسنده مسئول)

## چکیده

ارتباط غیرکلامی ارتباطی است که مفاهیم و معانی از طریق غیرزبانی و گفتاری منتقل می‌شود. پیام‌های غیرکلامی نسبت به پیام‌های کلامی از قدرت بیشتری برخوردارند. زبان بدن، نحوه ارتباط غیرکلامی و غیر گفتاری ماست که آن را در هر یک از مشارکت‌های خود با دیگران استفاده می‌کنیم. زبان بدن شامل پیام‌های افراد با نگاه‌ها، حالات چهره و ژست‌هاست که در متون ادبی به درک خواننده از متن کمک می‌کند. «پل اکمن» و «والس فریسن» تحقیقاتی گسترده را در زمینه فعالیت‌های غیرکلامی انجام داده‌اند که هدف آن‌ها، شناخت بهتر احساسات و رفتار افراد است. آنان فعالیت‌های غیرکلامی را به سه طریق «منشأ- رمزگذاری- کاربرد» تحلیل کرده‌اند. این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی براساس رویکردهای ذکرشده از «اکمن و فریسن» زبان بدن در رمان الشحاذ را که اثر نجیب محفوظ است، اعم از؛ زبان چهره، زبان نگاه و اشارات سر را توصیف و مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل شده از تحلیل نمونه‌های زبان بدن در این رمان نشان می‌دهد که منشأ زبان چهره که از بسامدی بالا در رمان برخوردار است ذاتی بوده، رمزگذاری آن به صورت غریزی و کاربرد آن از نوع اطلاعاتی است.

**کلیدواژه‌ها:** زبان بدن، رمان الشحاذ، پل اکمن و والس فریسن، منشأ- رمزگذاری- کاربرد.

## ۱. مقدمه

پژوهش‌ها دربارهٔ اساس و اصول برقراری ارتباط، حاکی از آن است که زبان گفتار از حرکات بدن نشأت گرفته است. در پیشینه تکاملی، تکلم ابزاری نسبتاً جدید برای برقراری ارتباط محسوب می‌شود و حدود ۵۰۰ هزار تا ۲ میلیون سال است که به بخشی از فرآیند برقراری ارتباط انسان‌ها تبدیل شده است. هدف اولیه کلمات و گفتار، انتقال اطلاعات و داده‌هاست؛ درحالی‌که زبان بدن برای بیان افکار، دیدگاه‌ها، احساسات و هیجانات طرح‌ریزی شده است. همان اندازه که حرکات بدن به شرایطی که در آن انجام می‌شوند بستگی دارند، به همان میزان نیز به سایر نشانه‌هایی که هم‌زمان با آن فرستاده می‌شود هم وابسته است. (کونکه، ۱۳۹۴، ۳۶-۳۷)

شگفت‌انگیز است که در طی میلیون‌ها سال زندگی بشر، جنبه‌های غیرکلامی ارتباط او فقط از دهه ۱۹۶۰ میلادی به‌طور جدی مورد مطالعه قرار گرفته و عامه مردم از وجود آن‌ها زمانی آگاه شدند که جولوس فست (Julius Fast) کتابی دربارهٔ زبان بدن منتشر کرد. این کتاب خلاصه‌ای از کارهایی بود که دانشمندان رفتارگرا تا آن زمان دربارهٔ ارتباط‌های غیرکلامی انجام داده بودند و حتی امروزه بیشتر افراد از وجود زبان بدن و اهمیت آن در زندگی خود بی‌خبرند. تا آنجا که به مطالعات علمی زبان مربوط می‌شود شاید بتوان گفت که مهم‌ترین کار انجام‌شده قبل از قرن بیستم، کتاب «بیان احساسات در انسان و حیوان» اثر چارلز داروین در سال ۱۸۷۲ بود. این آغاز مطالعهٔ حالت‌های چهره و زبان بدن بود. از آن زمان تاکنون محققین تقریباً یک میلیون نشانه‌های غیرکلامی را مشاهده و ثبت کرده‌اند. آلبرت محراییان متوجه شد که از میزان تاثیرکلی یک پیام، هفت درصد کلامی (فقط کلمات)، سی و هشت درصد آوایی (از جمله تن صدا) و پنجاه و پنج درصد آن غیرکلامی است. پروفیسور بیردوسیل (Bird whistle) نیز تخمین زد که تقریباً به همین اندازه از ارتباط‌های غیرکلامی بین انسان‌ها مبادله می‌شود. او برآورد کرد که یک انسان به‌طور متوسط روزانه حدود ۱۰ دقیقه صحبت می‌کند و یک جملهٔ معمولی حدود ۲/۵ ثانیه زمان می‌برد. او نیز مانند محراییان دریافت که بخش کلامی یک گفتگوی چهره به چهره کمتر از ۳۵ درصد و بخش غیرکلامی آن بیش از ۶۵ درصد است. بیش‌تر محققین توافق نظر دارند که کانال کلامی اساساً برای انتقال اطلاعات به کار می‌رود درحالی‌که کانال غیرکلامی برای تبادل نگرش‌های بین فردی و در برخی موارد به‌عنوان جایگزینی برای پیام‌های کلامی استفاده می‌شود. (پیز، ۱۳۹۱، ۱-۲)

## ۲. بیان مسئله

تعاریف متعددی از ارتباط غیرکلامی و زبان بدن وجود دارد از جمله: «رفتار غیرکلامی، دامنهٔ وسیعی از رفتارهای انسانی است که پیام‌های ارتباطی را به وجود می‌آورد. اگر شخص دیگری رفتار را مثل یک پیام تفسیر کند و معنایی به آن نسبت دهد، رفتار غیرکلامی به ارتباط غیرکلامی تبدیل می‌شود.» (علمایی،

۱۳۹۰، ۱۷۲) «ارتباط غیرکلامی، عبارت است از پیام‌های آوایی و غیرآوایی که با وسایلی غیر از وسایل زبانی و زبان‌شناسی ارسال و تشریح شده است.» (فرهنگی، ۱۳۷۵، ۲۲) «ارتباط غیرکلامی یا پیام‌رسانی بدن، هنگامی روی می‌دهد که یک فرد به وسیله حالت‌های چهره، لحن صدا یا هر مجرای ارتباطی دیگر، فرد دیگری را تحت تأثیر قرار دهد. این امر ممکن است عمدی یا غیرعمدی باشد.» (آرژیل، ۱۳۷۸، ۱۲) «پل اکمن» یک دانشمند در زمینه زبان بدن، روان‌شناسی و انسان‌شناسی است. وی به همراه «والس فریسن» طی سالیان متمادی با متمرکز کردن تحقیقاتشان بر دست و صورت، الگویی کلی پیشنهاد کردند و فعالیت‌های غیرکلامی را به سه طریق تحلیل کردند که عبارت‌اند از؛ منشأ، رمزگذاری و کاربرد. (احمدی، جلیلیان، ۱۴۰۱، ۳) رمان «الشحاذ» اثر نجیب محفوظ است که بخشی از زندگی عمر حمزوی از روشنفکران مصری است. پژوهش پیش‌رو تلاش می‌کند که نشانه‌های زبان بدن را طبق نظریه اکمن و فریسن در رمان «الشحاذ» مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

### ۳. هدف و روش پژوهش

پژوهش حاضر بر آن است که انواع زبان بدن و کارکردهای آن را طبق نظریه پل اکمن و والس فریسن براساس رویکردهای منشأ، رمزگذاری و کاربرد در رمان «الشحاذ» باتکیه بر روش توصیفی-تحلیلی بررسی کند.

### ۴. پرسش‌های پژوهش

در پژوهش حاضر تلاش می‌کنیم به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

- ۱- کدام‌یک از انواع زبان بدن در رمان الشحاذ پرکاربردتر است و براساس نظریه اکمن و فریسن چه رویکردی (منشأ، رمزگذاری، کاربرد) دارد؟
- ۲- کدام رویکرد از نظر منشأ، رمزگذاری و کاربرد در رمان «الشحاذ» وجود ندارد.

### ۵. فرضیه‌های پژوهش

پژوهش بر پایه فرضیه‌های زیر شکل گرفته است:

- ۱- زبان نگاه در این رمان پرسامدترین نوع زبان بدن است و منشأ ذاتی، رمزگذاری قراردادی و کاربرد ارتباطی دارد.
۲. به نظر می‌رسد منشأ فرهنگی، رمزگذاری تصویری و کاربرد تعاملی در این رمان کم‌ترین بسامد را داشته باشند یا اصلاً در طول رمان این رویکردها وجود نداشته باشند.

### ۶. پیشینه پژوهش

تاکنون درباره رمان «الشحاذ» آثاری به چاپ رسیده است که به این شرح می‌باشند:

مقاله «جریان سیال ذهن در رمان الشحاذ اثر نجیب محفوظ» در مجله لسان مبین شماره ۴ از حسن گودرزی لمراسکی و معصومه زندنا (۱۳۹۲) نگارندگان مقاله براساس این سبک نوشتاری به تحلیل روایتگری رمان «الشحاذ» پرداخته‌اند. در این شیوه ترتیب زمانی، مکانی و نظم منطقی رویدادها به هم می‌ریزد. روش‌های روایی تک‌گویی درونی و حدیث نفس شخصیت‌ها را می‌توان در تقویت این شیوه روایی مؤثر دانست. سیدمصطفی موسوی اعظم و محمود حیدری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل آگزستانسیالیستی شخصیت اول (عمر) رمان «الشحاذ» اثر نجیب محفوظ» در دو فصلنامه علمی نقد ادب معاصر عربی شماره ۹ نموده‌های آگزستانسیالیستی رمان «الشحاذ» را نمایان می‌سازد که عبارت‌اند از مرگ‌اندیشی، معنای زندگی، عقل‌ستیزی، آزادی و سرگردانی دلهره و اضطراب و نگاه حسرت‌آلود به گذشته. به این نتیجه دست یافتند که علاوه بر نموده‌های محتوایی، عنوان رمان (گدا) نیز بیانگر نوعی استیصال آدمی است و شاهدهی بر آگزستانسیالیستی بودن رمان است.

محمود حیدری و ذبیح‌الله فتیح فتح (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی مبانی سورئالیسم در داستان الشحاذ» در مجله زبان و ادبیات عربی شماره ۶ ارتباط رمان «الشحاذ» با مبانی سورئالیسم را بررسی کرده‌اند و در پایان به این نتیجه دست یافتند که این اثر در ارائه شیوه خاص روایت، مخالفت با منطق و تمجید از طغیان، مخالفت با ارکان علیت و نحوه برخورد با نظم برای رسیدن به آزادی، تأکید بر عشق و زن و نقش مثبت و تأثیرگذار آن‌ها در زندگی و... شباهت زیادی با رمان‌های سورئالیستی دارد. روح‌الله نصیری و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیل رمان الشحاذ (گدا) بر مبنای کهن‌الگوهای یونگ» در مجله زبان و ادبیات عربی شماره ۸ به این نتیجه رسیده‌اند که آشفتگی روانی «عمر الحمزاوی» شخصیت اصلی رمان، نشانه بیماری نیست بلکه تلنگری است برای سیر در مسیر تفرد، نوزایی، نیل به خودآگاهی و تعادل روانی. در زبان عربی هم در زمینه زبان بدن، پژوهش‌هایی صورت گرفته است از جمله: محمد شریف شیخ صالح الخطیب (۲۰۰۶م) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان لغة الجسم فی السنة النبویة به بررسی عینی نمونه‌هایی از احادیث سنت نبوی که در ارتباط با زبان بدن هستند پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که سنت پیامبر شامل حالات متعددی است که در آن‌ها روشن است که از زبان دست به‌عنوان وسیله‌ای مؤثر برای ارتباط مؤثر، روشن شدن معانی، ترغیب یا ابراز احساسات و مهربانی استفاده می‌شود. باوجود آثار ارزشمندی که درباره رمان «الشحاذ» نوشته شده است، نگارندگان اثری که در آن به تحلیل زبان بدن این رمان براساس نظریه «پل اکمن و والس فریسن» با سه رویکرد «منشأ- رمزگذاری- کاربرد» پرداخته باشد را نیافتند؛ این نگاه تازه را می‌توان جنبه نوآورانه این پژوهش دانست.

#### ۷. نظریه پُل اکمن و والس فریسن: (سه رویکرد منشأ، رمزگذاری، کاربرد) و نوع رفتار و کنش

پژوهشگران در مورد ماهیت و چگونگی رفتارهای غیرکلامی، نظریه‌های متنوعی را ارائه کرده‌اند. اکمن

و فریسن نیز تحقیقات گسترده‌ای را در زمینه فعالیت‌های غیرکلامی انجام داده‌اند. هدف آنان شناخت بهتر احساسات، خلق و خوی شخصیت‌ها، رفتار افراد و همچنین درک بهتر هرگونه تعامل میان اشخاص و آگاهی از ماهیت روابط و کیفیت ارتباط در جریان تعامل بوده است (Ekman & Friesen, 1972). اکمن و فریسن فعالیت‌های غیرکلامی را به سه طریق تحلیل کردند که عبارت‌اند از: منشأ، رمزگذاری، کاربرد. منشأ، منبع هر عمل است. رفتار غیرکلامی، می‌تواند ذاتی (ساخته و پرداخته در سیستم عصبی)، ثابت‌گونه (رفتاری کلی یا جهانی و لازم برای بقا) یا متنوع در فرهنگ‌ها، گروه‌ها و افراد مختلف باشد. مثلاً می‌توان تصور کرد که بالا بردن ابروها به علامت تعجب، ذاتی است؛ مشخص کردن قلمرو رفتاری، ثابت‌گونه است؛ و حرکت یا جلو و عقب بردن سر به علامت نفی ویژگی فرهنگی است.

رمزگذاری، رابطه عمل بامعنی آن است که به سه نوع قراردادی، تصویری و غریزی یا درونی تقسیم می‌شود: هر عملی می‌تواند قراردادی باشد؛ یعنی هیچ معنایی در ذات آن نشانه وجود نداشته باشد. مثلاً در فرهنگ ما بنا بر عرف، همگی قبول داریم که حرکت دادن سر هنگام شنیدن سخن دیگران، نشان‌دهنده پاسخ مثبت است، درحالی‌که این رمزگذاری کاملاً قراردادی است. یکی دیگر از نشانه‌های غیرکلامی، تصویری است که نشان‌دهنده شیء موردنظر باشد، مثلاً برای به تصویرکشیدن آنچه درباره‌اش صحبت می‌کنیم، دست‌هایمان را حرکت می‌دهیم یا تصاویری در هوا ترسیم می‌کنیم. نوع سوم رمزگذاری، غریزی یا درونی است. معانی نشانه‌های این نوع در خود آن‌هاست؛ آن‌ها خود جزئی از مقصود یا منظور هستند. مثلاً گریه کردن نوعی از رمزگذاری غریزی است، چون نشانه‌ای از احساس است؛ ولی قسمتی از خود احساس هم هست. سومین راه تجزیه و تحلیل رفتار از طریق کاربرد است. کاربرد شامل میزان اطلاع‌رسانی رفتار غیرکلامی نیز می‌گردد. کنش ارتباطی عمداً برای انتقال معنی به کار می‌رود. کنش تعاملی عملاً بر رفتار سایر شرکت‌کنندگان تأثیر می‌گذارد. کنش اگر عمدی و تأثیرگذار باشد، هم ارتباطی و هم تعاملی است. مثلاً اگر از روی عمد دست خود را برای یک دوست به نشانه سلام و تعارف تکان دهید و او نیز دست خود را تکان دهد، این عمل هم ارتباطی و هم تعاملی است؛ اما رفتار اطلاعاتی رفتارهایی‌اند که منظور ارتباطی ندارند، باین حال اطلاعاتی را به دریافت‌کننده می‌دهند. چنین کنش‌هایی را خبری یا آگاهاننده می‌نامند. اگر روزی احساس خوبی نداشته باشید، ممکن است برای اجتناب از دیدن یک دوست یا آشنا راه خود را عوض کنید یا در محلی مخفی شوید، اگر شخص مقابل این اجتناب را مشاهده کند، رفتار شما علی‌رغم عدم تمایل به ایجاد ارتباط، آگاهاننده بوده است. (لیتل جان، ۱۳۸۴، به نقل از احمدی و جلیلیان، ۱۴۰۱)

در ادامه حالت‌های زبان بدن در رمان «الشحاذ» طبق نظریه اکمن و فریسن، براساس رویکردهای منشأ، رمزگذاری و کاربرد بررسی خواهد شد.

## ۱-۷. پیام‌های چهره

یکی از وجوه ارتباط غیرکلامی، حالت‌های چهره است؛ مانند خوشحالی، غمگینی، شگفتی، ترس، خشم، بیزاری و... که حالتی همگانی و جهانی داشته و در همه جای جهان یکسان تعبیر و تفسیر می‌شوند. یک جنبه مهم ارتباط غیرکلامی بیان احساس از طریق چهره است (حسام‌زاده، ۱۳۹۰، ۱۷۷). در روابط میان فردی حالات چهره از اهمیت زیادی برخوردار است. حالات چهره، نوع و میزان ارتباط بین فردی را کنترل می‌کند. افراد براساس آنچه در چهره یکدیگر می‌بینند، به اظهارنظر درباره شخصیت هم و سایر قضاوت‌ها و ارزیابی‌ها می‌پردازند (کونکه، ۱۳۹۴، ۶۳).

## ۲-۷. زبان خنده

خندیدن در موقعیت‌های گوناگون می‌تواند معانی متفاوتی را القا کند. اکنون به بررسی نمونه‌هایی از زبان خنده در رمان الشحاذ براساس نظریه اکمن و فریسن در حوزه‌های «منشأ، رمزگذاری و کاربرد» می‌پردازیم: اولین معنایی که از خنده دریافت می‌شود، اعلام رضایت و خوشحالی است که در این رمان نمونه‌های فراوانی از این نوع خنده دیده می‌شود (۱۶ مورد). در ابتدای داستان وقتی عمر حمزوی به دیدن دوستش دکتر حامد صبری رفته بود؛ گفتگویی دوستانه بین آن‌ها شکل گرفت. در این گفتگو خنده‌هایی بامعناى اعلام رضایت و خوش حالی وجود دارد مثل عمر به شادی لبخند زد. «فابتسم عمر فی سرور» (محموظ، بی تا، ۶) منشأ این نوع خنده ذاتی است چون خندیدن از روی خوش حالی ساخته و پرداخته سیستم عصبی است. رمزگذاری از نوع غریزی است چون خندیدن نشانه‌ای از احساس است. کاربرد این نوع خنده، اطلاعاتی است چون اطلاعاتی از شاد بودن را به دریافت‌کننده می‌دهد. پزشک با صدای بلند خندید: «ضحک الطیب عالیاً» (همان، ۷) منشأ ذاتی، رمزگذاری، غریزی، کاربرد: اطلاعاتی. اینگونه خنده‌ها از ابتدا تا پایان رمان فراوانند.

خندیدن گاهی به معنای تمسخر است. وقتی بئینه دختر عمر از او در مورد این که چه چیزی مانع شده تا عمر دیگر به سرودن شعر ادامه ندهد، عمر لبانش به پوزخند درهم رفت: «تداخلت شفتاه فی سخریه» (همان، ۳۹)

همچنین وقتی یازبک برای دیدن عمر به دفتر کارش رفت و به دروغ گفت داشتم از میدان ازهار می‌گذشتم گفتم پیام و سلامی عرض کنم... عمر پوزخندی زد: «فقال عمر بسخریه باسمه» (همان، ۹۱) براساس نظریه اکمن و فریسن هر دوی این لبخندها منشأ فرهنگی دارند، رمزگذاری آن‌ها قراردادی است و نوع کاربرد این پوزخندها، ارتباطی است. نوع دیگری از خندیدن در رمان «الشحاذ» وجود دارد که خنده نشان از شرمساری دارد و فقط یک مورد در طول رمان دیده شد. وقتی بئینه از پدرش پرسید چطور توانستی شعر را رها کنی؟ عمر از سر شرم لبخندی زد: «هو یداری ابتسامه حیاء» (همان، ۳۸) منشأ این نوع خنده فرهنگی است «ژاپنی‌ها موقع خجالت و شرمندگی هم مثل زمانی که خوش حالند، لبخند



می‌زند.» (کونکه، ۱۳۹۴، ۲۷) همچنین «اگر چهره‌تان سرخ شود، نشان از شرمندگی دارد» (همان، ۲۷) پس منشأ خندیدن از روی شرم فرهنگی است و بستگی به ویژگی‌های فرهنگی یک جامعه دارد. رمزگذاری آن از نوع قراردادی است و کاربرد اطلاعاتی دارد چون اطلاعاتی در مورد شرمنده بودن را به مخاطب می‌دهد.

### ۷-۳. زبان گریه

در رمان «الشحاذ» گریه کردن با دو نشانه رضایت و اندوه نمایان شده است. منظور از نشانه رضایت «یعنی شخص در موقعیتی قرار گرفته که از آن راضی است و با گریه کردن رضایتش را ابراز می‌کند.» (نیکدار اصل، احمدیانی پی، ۱۳۹۵، ۱۹۰) برای نمونه وقتی عمر حمزاوی از ورده به خاطر این‌که کارش را کنار گذاشته بود تشکر کرد، ورده چشم‌های درشتش از اشک پر شده بود و می‌درخشید: «عیناها الواسعتان تلمعان بأنداء دموع» (محفوظ، بی تا، ۹۴) منشأ ذاتی، رمزگذاری: غریزی، کاربرد، اطلاعاتی. مواردی از گریه کردن با نشانه غم و اندوه هم در این رمان وجود دارد که به بررسی نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم: وقتی زینب از خیانت عمر باخبر شد و با او به بحث و جدل پرداخت، سر زینب به همراه اشک‌هایش فرو افتاد: «سقط رأسها مع دموعها» (همان، ۹۶). بدن زینب از گریه تکان می‌خورد: «فبکت حتی اضطراب جذعها» (همان، ۱۵۳). زینب گریه سر داد: فاسترسلت فی البكاء» (همان، ۱۵۴) هر سه مورد منشأ ذاتی، رمزگذاری غریزی و کاربرد اطلاعاتی دارند.

### ۷-۴. اشارات ابروها

حرکت ابروها در زبان بدن حالات مختلفی دارند و معانی متفاوتی را به مخاطب القا می‌کنند از جمله: عصبانیت، ترس، تعجب، ناراحتی و... «ابرو درهم کشیدن به معنی عصبانیت، بالا انداختن ابروان به معنی نه، بالا انداختن یکی از ابروان به همراه تغییر حالت چشم‌ها به معنی تحقیر و بی‌احترامی، بالا انداختن دو ابرو و گشاد کردن چشم‌ها به معنی تعجب» (پهلوان‌نژاد، ۱۳۸۶، ۲۳) در رمان الشحاذ از اشارات ابروها برای بیان عصبانیت و تعجب استفاده شده است. زینب در جواب دخترش بثینه با اخم و آزرده‌گی گفت: «فأجابت متحدية مقطبة» (محفوظ، بی تا، ۳۰). وقتی عمر به دخترش بثینه گفت تو بیش‌تر در درس‌های تجربی موفق بودی پس چه شد که به شعر روی آوردی؟ بثینه ابرو درهم کشید: «هی تتذکر مقطبة» (همان، ۳۴). عمر هنگام صحبت با ورده اخم کرد: «تجهم وجهه» (همان، ۹۹). منشأ این نوع رفتارهای غیرکلامی که از روی عصبانیت شکل گرفته‌اند ذاتی بوده، رمزگذاری آن‌ها از نوع قراردادی و کاربرد این نوع رفتار اطلاعاتی است.

اکنون مواردی از اشارات ابرو به نشانه تعجب را بررسی می‌کنیم: وقتی زینب به عمر خبر شعرسرودن بثینه را داد، عمر ابروهای پهن خود را با شگفتی بالا برد: «رفع الرجل حاجبیه الکثیفین فی دهش»

(همان، ۳۲). وقتی عمر از یازیک در مورد معنی زندگی پرسید، مرد ابروهای نازکش را با تعجب بالا برد: «رفع الرجل حاجیه الخفیفین دهشة» (همان، ۹۲). ورده ابروهایش را به نشانه تعجب بالا برد: «فتساءلت برفع حاجیها» (همان، ۱۱۷). منشأ این نوع از اشارات ابرو هم که نشان‌دهنده تعجب هستند ذاتی است، رمزگذاری از نوع قراردادی و کاربردشان اطلاعاتی است.

#### ۵-۷. اشارات دهان و لب‌ها

لب و دهان نیز مانند دیگر حالات چهره، دارای حرکاتی است که پیام‌های متعددی را در بردارند. بررسی‌ها نشان می‌دهند که در رمان الشحاذ اشارات لب‌ها و دهان از نوع ابرازعلاقه، ابراز تأسف و ابراز تحسر است. در ادامه به بررسی این نوع رفتار غیرکلامی براساس نظریه اکمن و فریسن می‌پردازیم: مصطفی منیاوی و عمر یکدیگر را بوسیدند: «تبادلاً القبلات» (همان، ۵۲). عمر گونه‌های ورده را بوسید: «قبلهما قبلة طویلة» (همان، ۸۲). منشأ بوسیدن که نوعی ابراز علاقه است ذاتی بوده و رمزگذاری آن از نوع غریزی است. کاربرد بوسیدن ارتباطی - تعاملی است چون بوسیدن یک کنش عمدی و تأثیرگذار است.

عمر لبانش را از درون گاز گرفت: «فعض باطن شفتیه» (همان، ۷۵). در این قسمت از رمان، عمر برای ابراز تأسف از رفتارهایی که داشته، لبان خود را از درون گاز می‌گیرد. منشأ این حرکت ذاتی بوده، رمزگذاری آن از نوع قراردادی است و کاربرد آن ارتباطی است.

عمر لب خود را گزید: «هو یعض شفته» (همان، ۱۱۷). بعد از این که عمر ورده را رها کرده بود وقتی دوباره به هم رسیدند و شروع به گفتگو کردند، عمر از روی شرم و خجالت لب خود را گزید. این نوع رفتار غیرکلامی هم مانند مورد قبل منشأ ذاتی و رمزگذاری قراردادی دارد و کاربرد آن ارتباطی است.

#### ۶-۷. زبان نگاه

یکی از ظریف‌ترین ارتباط‌های غیرکلامی زبان نگاه است. «از میان حالات رخساری، چشم‌ها مهم‌ترین نقش را بازی می‌کنند. چشم‌ها دارای زبان مخصوص به خود هستند. آن‌ها تبسم می‌کنند، اخم می‌کنند و خستگی یا نگرانی را نشان می‌دهند. نگاه‌ها از فرهنگی به فرهنگی و از قومی به قومی متفاوت هستند.» (پهلوان‌نژاد، ۱۳۸۶، ۲۳). اکنون به بررسی زبان نگاه در رمان الشحاذ براساس نظریه اکمن و فریسن می‌پردازیم:

کارکرد زبان نگاه از نوع دقت کردن: وقتی عمر حمزوی شروع به گفتن بیماری‌اش کرد، پزشک بادقت به او چشم دوخت: «هو یمعن فیه النظر باستمرار» (محفوظ، بی‌تا، ۷۰). منشأ این نوع نگاه کردن فرهنگی، رمزگذاری آن قراردادی و کاربردش از نوع ارتباطی است چون عمداً برای انتقال معنی به کاررفته است یعنی منتظر بقیه صحبت‌های تو هستیم.

قطع کردن نگاه برای پنهان کردن احساسات: وقتی پزشک در مورد دیوان شعر عمر با او سخن گفت، عمر نگاهش را درزید تا نگرانی و ناخرسندی‌اش آشکار نشود: «خفض عینیه حتی لایقرأ فیها توتره و ضیقه» (همان، ۱۳). وقتی مصطفی به عمر گفت بئینه غرق درس هایش است و جمیله چیززی نمانده که فراموش کند، عمر با پریشانی چشم بر زمین دوخت: «فغض بصره فی ارتباک» (همان، ۱۰۲). وقتی نوبت بئینه رسید که با پدرش دست بدهد دستش را به‌سوی عمر درازکرد و چشم بر زمین دوخت تا ناراحتی خود را پنهان کند: «هی تغض البصر لتخفی وجومها» (همان، ۱۲۲). در هر سه مورد منشأ قطع کردن نگاه فرهنگی بوده، رمزگذاری از نوع قراردادی و کاربرد آن‌ها از نوع اطلاعاتی است. شخص به مخاطب این اطلاع را می‌دهد که تمایلی به ادامه گفتگو ندارد.

زبان نگاه از نوع تمسخر، طعنه و سرزنش: وقتی زینب دست در بازوی عمر افکند و از او پرسید چه شده؟ عمر نگاهی تمسخرآمیز به دور و برش افکند: «ألقى نظرة باسمه علی ماحوله» (همان، ۴۴). وقتی ورده به عمر پیشنهاد داد که بیش‌تر بیرون بروند، عمر سرش را به نشانه موافقت تکان داد اما ورده نگاهی سرزنش‌آمیز به او کرد: «رنت إلیه بعتاب» (همان، ۱۰۵). وقتی مصطفی دوست عمر از او خواست تا از عشقش برایش بگوید، عمر در چشم‌های او نگاه طعنه‌آمیزی دید که خالی از بدجنسی نبود: «قرأ فی عینیه نظرة ناقدة لاتخلو من خبث» (همان، ۱۰۵). منشأ این نوع از نگاه‌ها فرهنگی است، رمزگذاری آن‌ها قراردادی بوده و کاربردشان از نوع ارتباطی است.

زبان نگاه نشانه شگفتی و تحیر: «چشمان ما واکنش‌های چشمگیری ندارند مگر این‌که اتفاق غیر مترقبه‌ای بیفتد. به محض این‌که انحرافی در جریان عادی زندگی بیفتد عضلات چشم‌ها گشاد می‌شوند تا اطلاعات را بیش‌تر و بهتر دریافت کنند.» (بنی‌طالبی، مرتضوی، ۱۳۹۹، ۱۸۱). وقتی مصطفی در مورد عثمان گفت دوست داشته با بمب و نارنجک بازی کند، چشم‌های سبز بئینه گشاد شد: «فاتسعت العینان الخضران» (محفوظ، بی‌تا، ۱۴۰). وقتی زینب در مورد عثمان گفت تو یک قهرمان سیاسی هستی نه فقط یک زندانی، بئینه با دقتی آمیخته به حیرت به او نگریست: «رمته بئینه باهتمام مشوب بدهشة» (همان، ۱۳۹). وقتی بئینه گفت بابا هم اصرار دارد که علوم بخوانم، عثمان با شگفتی نگاهی به عمر افکند: «فرمق عثمان عمر بنظرة حائرة» (همان، ۱۴۲). همچنین وقتی عثمان گفت حدود ۲۰ سال در زندان بوده بئینه حیرت‌زده به او نگریست: «رمته بنظرة ذاهلة» (همان، ۱۴۳). همه موارد ذکر شده منشأ ذاتی دارند چون گشاد شدن چشم‌ها و نگاه حیرت‌آمیز، ساخته‌و‌پرداخته در سیستم عصبی است و ناخودآگاه در زمانی که فرد شگفت‌زده شده یا تعجب کرده است اتفاق می‌افتد. رمزگذاری آن‌ها از نوع غریزی است چون حرکات مربوط به تعجب و حیرت نشانه‌ای از احساس هستند و قسمتی از خود احساس هم هستند. کاربرد این نوع رفتار غیرکلامی، اطلاعاتی است چون منظور ارتباطی ندارد و به دریافت‌کننده اطلاع می‌دهد که فرد دچار شگفتی و تعجب شده است.

## ۷-۷. اشارات سر

«حرکات سر با اهداف متعددی انجام می‌شود. آن‌ها می‌توانند خلق و خو و روحیات را نشان دهند، جایگزین کلمات شوند یا گفته‌ها را تأیید و رد کنند.» (کونکه، ۱۳۹۴، ۴۷). اشارات سر معانی متعددی دارند. در رمان الشحاذ اشارات سر برای نشان دادن تأسف، موافقت و عدم موافقت (انکار) استفاده شده است که به بررسی آن‌ها براساس نظریه اکمن و فریسن می‌پردازیم: عمر از روی تأسف سرش را تکان داد: «هو یهز رأسه أسفا (محفوظ، بی‌تا، ۹۰). عثمان با تأسف سرش را تکان داد: «هز رأسه فی أسف» (همان، ۱۶۹). منشأ هر دو مورد فرهنگی است، رمزگذاری آن‌ها قراردادی و کاربردشان از نوع ارتباطی است.

عمر سرش را به نشانه موافقت تکان داد: «فوافق برأسه» (همان، ۱۰۵). عمر به نشانه موافقت و احترام سر فرود آورد: «أحنی عمر رأسه إعراباً عن الموافقة والإحترام» (همان، ۱۳۶). عمر به نشانه انکار سرش را تکان داد: «فرفض ذلك بهزة من رأسه» (همان، ۸۸)، عمر به انکار سر تکان داد: «هز رأسه نفيًا» (همان، ۱۰۴)، بئینه در جواب پدرش وقتی از او پرسید نخوابیدی، فقط سر تکان داد: «فهزت رأسها بالإيجاب» (همان، ۱۲۴). منشأ تمامی حرکات سر در این رمان از نوع فرهنگی، رمزگذاری آن‌ها قراردادی و کاربردشان از نوع ارتباطی است.

## ۸. نتیجه‌گیری

نجیب محفوظ در نوشتن رمان «الشحاذ» از زبان چهره، زبان نگاه و زبان سر به فراوانی بهره‌برده است که این امر به درک بیشتر خواننده از متن، کمک شایانی می‌کند.

در این رمان بیش‌تر از پیام‌های چهره استفاده شده است که شامل زبان خنده، زبان گریه، اشارات ابروها و اشارات دهان و لب‌ها است. این امر نشان می‌دهد که زبان چهره در انتقال پیام‌های غیرکلامی از اهمیت بالایی برخوردار است. زبان خنده با معنای رضایت و خوش‌حالی بیش‌ترین بسامد را دارد که دارای منشأ ذاتی، رمزگذاری غریزی و کاربرد اطلاعاتی است. زبان گریه با دو نشانه رضایت و اندوه آشکار شده است. بیان عصبانیت و تعجب را با اشارات ابروها نشان می‌دهند. اشارات دهان و لب‌ها از نوع ابراز علاقه، ابراز تأسف و ابراز تحسیر است که منشأ ذاتی و رمزگذاری قراردادی دارد و کاربرد آن ارتباطی است.

همچنین طبق نظریه اکمن و فریسن براساس رویکرد منشأ، رمزگذاری و کاربرد، در بررسی انجام شده در رمان الشحاذ منشأ ثابت‌گونه، رمزگذاری تصویری و کاربرد تعاملی مشاهده نشدند.

## منابع

- آرژیل، مایکل (۱۳۷۸). *روان‌شناسی ارتباطات و حرکات بدن*. مترجم: مهناز حیدری. تهران: انتشارات مهتاب.
- پیز، آلن (۱۳۹۱). *زبان بدن (چگونه افکار دیگران را بخوانیم)*. محلات: دانشگاه آزاد اسلامی.
- حسام‌زاده، منصورهمايون (۱۳۸۹). *زبان بدن (ارتباط غیرکلامی، کلامی)*. تهران: پورنگ و حسام.
- کونکه، الیزابت (۱۳۹۵). *زبان بدن*. مترجم: مریم هدایتی. تهران: آوند دانش.
- محفوظ، نجیب (بی‌تا)، الشحاذ. القاهرة: دار المصر للطباعة.
- احمدی، محمدنمی، جلیلیان، زهرا (۱۴۰۱). تحلیل زبان بدن در متن نهج البلاغه براساس نظریه «پل اکمن و والس فریسن» با سه رویکرد «منشأ- رمزگذاری- کاربرد». *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، ۱۲(۱)، ۱۴-۱.
- الشیخ صالح الخطیب، محمد شریف (۲۰۰۶). *لغة الجسم في السنة النبوية. رسالة الماجستير*. كلية الدراسات العليا. الجامعة الأردنية.
- بنی طالبی، امین، مرتضوی، سیدجمال‌الدین (۱۳۹۹). ارتباط‌های غیرکلامی در داستان رستم و سهراب *فصلنامه فردوسی. علمی کاوش‌نامه*، ۲۱(۴۴)، ۱۶۹-۲۰۶.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۶). ارتباطات غیرکلامی و نشانه‌شناسی حرکات بدنی. *مجله زبان و زبان‌شناسی*، ۳(۶)، ۱۳-۳۴.
- حیدری، محمود، فتحی فتح، ذبیح‌الله (۱۳۹۳). بررسی مبانی سورنالیسم در داستان الشحاذ اثر نجیب محفوظ. *مجله زبان و ادبیات عربی*، ۶(۱۰)، ۶۳-۸۸.
- علمایی، نسیم (۱۳۹۰). قرآن از نگاهی دیگر؛ بررسی ارتباط غیرکلامی در قرآن و آموزه‌های روانشناسی. *بینات*، ۱۸(۳)، ۱۷۰-۱۹۰.
- گودرزی لمراسکی، حسن، زندنا، معصومه (۱۳۹۲). جریان سیال ذهن در رمان الشحاذ اثر نجیب محفوظ. *مجله لسان مبین*، ۴(۱۱)، ۱۶۱-۱۷۹.
- موسوی اعظم، سیدمصطفی، حیدری، محمود (۱۳۹۸). تحلیل آگزیستانسیالیستی شخصیت اول (عمر) رمان الشحاذ اثر نجیب محفوظ. *دوفصلنامه علمی نقد ادب معاصر عربی*، ۹(۱۷)، ۲۳۱-۲۵۳.
- نصیری، روح‌الله و دیگران (۱۳۹۵). تحلیل رمان الشحاذ (کدا) بر مبنای کهن‌الگوهای یونگ. *مجله زبان و ادبیات عربی*، ۸(۱۵)، ۱۸۳-۲۰۹.
- نیکدار اصل، محمدحسین، احمدیانی پی، محمدهادی (۱۳۹۵). تحلیل ارتباطات غیرکلامی در بوستان سعدی. *مجله شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز*، ۱۸(۱)، ۱۸۱-۲۱۰.
- Ekman, P. and Wallace Friesen, w. (1972). *Hand Movements, Jurnal Of Communication*, 22: 353.